

متن پرسش

سلام علیکم؛ سؤال در ارتباط با لعن و جایگاه آن در اعتقادات شیعه است. گاهی اوقات که زیارت عاشورا را با صد لعن و سلام می خوانم احساس می کنم لعنهای آن، چیزی به آدم اضافه نمی کند. برخلاف سلامها که انگار آدم را نورانی تر و به امام و اصحاب نزدیکتر می کند. تبیین موضوع از این جهت که در فرهنگ برخی به اصطلاح ولایتی های مذهبی لعن خلفا و دشمنان اهل بیت و در مقابل آن دوستی اهل بیت در حد طرفداری از تیم های استقلال و پیروزی و بسیار دم دستی و سطحی مطرح می شود اهمیت دارد. آدم وقتی یاد لعن می افتد یاد عید عمر و ... می افتد. اگر جایی در مباحث کتابهایتان به صورت مبسوط به آن پرداخته اید ممنون می شوم راهنمایی بفرمائید. لعن فقط خالی کردن عقده هاست؟ چرا خداوند و ملائکه در قران عده ای را لعن کرده اند؟ آیا لعن اولی و دومی و ... با تکیه بر همان مصداقهای تاریخی باید اینقدر که برخی تأکید دارند در معارف شیعی پررنگ است یا آن افراد و تکیه بر لعنشان مقتضای یک دوره تاریخی خاص بوده است؟ و الآن باید کسانی را که راه رجوع به فرهنگ اهل بیت و ولایت فقیه و انقلاب اسلامی را می بندند لعن کرد؟...

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیک السلام: در کتاب «شرح زیارت عاشورا» در مورد لعن عریضی داشته ام و آنجا تأکید می شود که اگر قلب خود را با لعن نسبت به فرهنگی که مقابل اهل البیت «علیهم السلام» ایستاد، تطهیر نکنیم آن طور که شایسته است رجوع به اهل البیت نداریم و سرنوشت ما مثل حزب مشارکت می شود. موفق باشید